

مطالعه تطبیقی حق حبس تصرف^۱

محمد مجتبی رودیجانی^۲، حکمت‌الله عسکری^۳، بهنام انصافی آذر^۴

چکیده

حق حبس در حقوق ایران با در نظر گرفتن ماده ۳۷۷ قانون مدنی تشریح می‌شود. این ماده ذیل مبحث تسلیم در عقد بیع آمده و حقوق دانان عمدتاً در مبحث مربوط به حق حبس، تنها به این ماده پرداخته‌اند، اما نگاهی به دیگر مقررات و بررسی فقهی موضوع و تطبیق آن با حقوق خارجی، نشان می‌دهد که در حقوق ایران دو نوع حق حبس شامل «حق حبس متعادل» (در مواردی که تعادل بین عوضین وجود دارد) و «حق حبس تصرف» (حق قانونی برای بستن کار جهت نگه داشتن اموال مدیون) قابل شناسایی است؛ در حالی که بررسی حق حبس متعادل در آثار نویسندگان حقوقی، مجالی برای بررسی مستقل حق حبس تصرف باقی نگذاشته و این نوع حق حبس با تصویب قانون راجع به بدهی واردین به مهمان‌خانه‌ها و پانسیون‌ها به سال ۱۳۱۲ به حقوق ایران وارد شده است. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه تطبیقی، در پی شناسایی حق حبس تصرف به عنوان نهادی مستقل در حقوق ایران است. یافته تحقیق، تعریف جامع از حق حبس تحت عنوان حق قانونی برای شخص در اموال دیگران است تا بدهی و تعهد مربوط به آن‌ها انجام شود. این تعریف علاوه بر در برگرفتن انواع حق حبس، با عبور از دیدگاه سنتی راه را برای استفاده از انواع دیگر حق حبس از جمله «حق حبس دریایی» که خود گونه‌ای از حق حبس تصرف است، هموار می‌کند.

واژگان کلیدی: حق حبس، قرارداد، حبس متعادل، حبس تصرف، اجبار به تسلیم.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی نویسنده مسئول تحت عنوان «بررسی تطبیقی اجرای عین تعهد و ارتباط آن با سایر ضمانت‌های اجرای مفاد قرارداد در حقوق ایران و انگلیس» با راهنمایی آقای دکتر حکمت‌الله عسکری و مشاوره آقای دکتر بهنام انصافی آذر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است.

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
rodijani@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)
Hekmat_askari@yahoo.com

۴. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
ensafy@gmail.com

درآمد

«حق حبس»^۱ عبارت است از «حقی قانونی که بر اساس آن شخص حق دارد که کالا یا ثمن و بهای کالای دیگری را نزد خود نگه دارد تا این که بدهی یا تعهد مربوط به آن‌ها تأدیه یا انجام شود» (Collin, 2013: 127)؛ یا به عبارتی دیگر «حق قانونی برای شخص است که در اموال دیگران ثابت می‌شود تا این که بدهی پرداخت و تعهد مربوط به آن‌ها انجام شود» (A.garner, 2019: 941). چنین تعریفی انواع حق حبس را در بر می‌گیرد؛ بنابراین تعریف حق حبس به این صورت که، هر یک از این دو طرف معاوضه می‌تواند اجرای تعهد خود را منوط به تسلیم عوض قراردادی کند، این اختیار را حق حبس می‌نامند (کاتوزیان، ۱۴۰۲/۴: ۸۷)، تنها یک نوع از حق حبس را تعریف می‌کند و به همین دلیل ناقص است. تقریباً تمامی نویسندگان در حقوق ایران تعریف اخیر را به نوعی تکرار کرده‌اند (شهیدی، ۱۴۰۲/۱: ۳۹ و علی‌احمدی، ۱۳۷۵: ۲۳۴ و قاسم‌زاده، ۱۴۰۱: ۲۱۴). اشکال از اینجا ناشی می‌شود که برخی گمان کرده‌اند در حقوق ایران تنها یک نوع حق حبس و آن هم تنها در عقود معوض وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱/۳: ۱۶۹۸ و اندرز، ۱۴۰۲: ۱۳۲)؛ در حالی که می‌توان نشانه‌هایی از دیگر انواع حق حبس یافت که اشاره خواهد شد.

ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران مذکور می‌دارد: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری نماید تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد، در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود». برخی نویسندگان به حق مذکور «حق حبس قانونی» گویند (سوادکوهی، ۱۳۵۴: ۴). به نظر می‌رسد دلیل نویسندگان برای بیان این مطلب آن است که مبنای چنین حقی حکم قانون است. منتها با مطالعه حقوق ایران ملاحظه می‌شود که در واقع دو نوع حق حبس وجود دارد: نخست، «حق حبس متعادل یا متقارن» که در واقع همان حق حبس نامبرده در ماده ۳۷۷ قانون مدنی می‌باشد؛ دوم، «حق حبس تصرف» که به واسطه آن طلبکار می‌تواند اموال بدهکار را نزد خود نگه دارد تا بدهکار بدهی خود را تصفیه نماید. این حق حبس در برخی قوانین تصریح گردیده که به آن‌ها

1. right of lien

پرداخته می‌شود. ماده ۱۶۱۲ قانون مدنی فرانسه^۱ نیز بیان‌گر حق حبس متعادل است. بر اساس این ماده «در صورتی که خریدار ثمن معامله را تأدیه نکند، فروشنده نیز ملزم به تسلیم مبیع نمی‌باشد؛ بنابراین خریدار نمی‌تواند تحویل کالا را بخواهد، در صورتی که قیمت را نپرداخته است»^۲. ماده ۳۸۷ قانون مدنی اردن^۳ نیز بیان‌گر حق حبس است: «هر شخصی که ملتزم به تحویل کالایی شده باشد می‌تواند از وفای به عهد خود امتناع کند مادامی که طلبکار وی به التزامی که بر عهده‌اش بوده و همان التزام نیز موجب التزام مدیون یعنی طرف مقابل شده و با آن مرتبط می‌باشد، عمل نکرده باشد»^۴ (ابوبکر، ۲۰۰۳: ۱۰۸). ماده ۱۴۷ قانون مدنی سوریه^۵ نیز همین مفهوم را در بر دارد (عدی، ۱۹۸۲: ۴۶) و ماده ۲۴۶ قانون مدنی مصر^۶ نیز همان عبارات را تکرار کرده است (سنهوری، ۱۹۹۸/۲: ۱۱۳۶). مطابق ماده ۳۲۵ قانون مدنی یونان،^۷ «حق حبس یک توقف و تعلیق در اجرای قرار داد است به این منظور که طرف دیگر قرارداد، تعهد خود را انجام دهد» (stathoulos, 2018: 154). البته در حقوق یونان اصطلاح title retention را در معنای حق حبس استعمال کرده‌اند که معنای حق حبس مال توسط بایع به منظور استیفاء ثمن یا حبس ثمن توسط مشتری به منظور تحویل مبیع را دارد.

فقها نیز به طور مبسوط به شرح و بسط حق حبس پرداخته و آن را به همان صورت، یعنی حق حبس در عقود معوض شرح داده‌اند؛ مثلاً هنگامی که از حق حبس سخن می‌گویند به این موضوع می‌پردازند که بایع حق حبس مبیع را تا زمانی که

1. french civil code 1804(Reform of French contract law to take effect on October 1, 2016).

2. Art 1612: "The seller is not required to deliver The thing if the buyer does not pay the price of it and if the seller has not granted him a delay for the payment".

فروشنده را نمی‌توان برای تحویل کالا اجبار نمود مادامی که خریدار هنوز قیمت کالا را نپرداخته است و همچنین به فروشنده تضمین لازم برای دریافت ثمن در برابر تحویل کالا از سوی وی داده نشده باشد.

۳. القانون المدنی الاردنی صادر بتاريخ ۱۹۷۶

۴. کل من التزم بأداء شيء أن يمتنع عن الوفاء به مادام الدائن لم يوف بالالتزام في ذمته نشأ بسبب الالتزام المدین و كان مرتبطاً به

۵. القانون المدنی السوری صادر بتاريخ ۱۹۴۹/۵/۱۸

۶. القانون المدنی المصری صادر بتاريخ ۱۹۴۳

7. Hellas civil code 1930

ثمن را قبض نکرده است دارد^۱ (الکاسانی الحنفی، ۲۰۹/۲: ۲۸۸) و (ابن عابدین، ۲۰۰۵/۵: ۶۹) و (الکرکی، ۵/۱۴۱۰: ۲۹۲). با بررسی انواع حق حبس، مشخص خواهد شد که بهترین تعریف برای حق حبس همان تعریفی است که در ابتدا ارائه شد؛ زیرا در برگیرنده تمام انواع حق حبس است. علاوه بر این، علت انتخاب نظام‌های حقوقی مطالعه شده برای تطبیق با حقوق ایران این است که نظام فرانسوی که قانون مدنی ایران علاوه بر فقه امامیه از آن متأثر است به نوبه خود بر حقوق کشورهای نظیر مصر، سوریه، اردن و یونان تأثیرگذار بوده است و علاوه بر این، نظام حقوقی انگلیس در زمینه حق حبس قرابت‌هایی با نظام‌های متأثر از حقوق فرانسه دارد؛ هر چند نظام حقوقی فرانسه جزء حقوق نوشته (رومی ژرمنی) و نظام حقوقی انگلیس جزء حقوق نانوشته است. در این قسمت غرض از مطالعه این نظام‌های حقوقی، توجه به مشترکات آن‌ها در مورد موضوع مقاله بوده است.

به طور کلی «حق حبس متعادل» در مورد عقود تملیکی و «حق حبس تصرف» در مورد عقود عهدی قابلیت اعمال دارد. تشخیص این دو نوع حق حبس، وجه تمایز آن‌ها و آثار آن‌ها در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده به این سوال اساسی پاسخ داده شود که هنگام مواجه شدن با هر یک از انواع حق حبس با توجه به تفاوت احکام و شرایط آن‌ها، جهت انجام تعهدات چه تمهیداتی باید در نظر گرفته شود. به این منظور، مطالب در دو بند کلی ارائه خواهد شد: نخست، انواع حق حبس که در آن به بررسی حق حبس متعادل و حق حبس تصرف پرداخته شده؛ دوم، احکام و آثار این دو حق حبس که در آن به حق حبس در معاملات معوض و غیر معوض و نیز شرایط اعمال و سقوط حق حبس و حق حبس کلی و جزئی پرداخته شده است. البته در این راه با توجه به عنوان مقاله، بیشتر تأکید بر حق حبس تصرف بوده و شرایط و احکام و آثار این نوع حق حبس مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده با دیدگاهی نوگرایانه در مورد حق حبس، از دیدگاه سنتی که صرفاً به

۱. للبائع حبس المبیع الی قبض الثمن (مراقبت از قرارداد شکل یافته و حقوق برآمده از آن هم برای متعاقدین و هم اشخاص ثالث ضروری است که مقنن به آن توجه داشته است. بر پایه اصل لزوم و توافقات خصوصی، اصل صحت، اصل لزوم وفای به عهد هم مقنن فرانسوی و هم مقنن ایرانی تلاش لازم در حفظ قرارداد نمودند) مواد ۲۱۹، ۲۲۰ و ۱۰ قانون مدنی ایران (بنگرید به: موسوی و اصائلو، ۱۴۰۱: ۲۷۳).

مبانی و احکام و شرایط حق حبس متعادل پرداخته، فاصله گرفته شود و اثبات شود حق حبس تصرف دارای موجودیتی مستقل و نیازمند تبیین احکام و شرایط و مبانی آن تحت عنوان مجزا می‌باشد.

۱. انواع حق حبس

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد می‌توانیم در حقوق ایران قائل به وجود دو نوع حق حبس شویم، «حق حبس متعادل» و «حق حبس تصرف». برای تبیین این مطلب، علاوه بر ماده ۳۷۷ قانون مدنی باید برخی قوانین خاص نیز مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر این، بررسی سایر نظام‌های حقوقی مفید فایده خواهد بود. البته در حقوق انگلیس نویسندگان قائل به وجود سه نوع حق حبس شده‌اند و علاوه بر دو مورد گفته شده «حق حبس دریایی» را ذکر کرده‌اند که البته همان‌طور که توضیح داده خواهد شد، می‌توان آن را تحت شمول حق حبس تصرف قرار داد.

۱-۱. حق حبس متعادل (متقارن)^۱

این نوع حق حبس تنها در عقود معوض قابل اجراست؛ یعنی در جایی که تعادل و برابری بین عوضین وجود دارد (امینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۴) و دو طرف هم‌زمان باید عوض و معوض را مبادله نمایند. به عبارت دیگر این نوع حق حبس در قراردادهای وجود دارد؛ جایی که مطالبه عوض و معوض از طرف بایع و مشتری وجود دارد. در واقع در هر قراردادی بر اساس اموال (عوضین) موجود، پرداخت متساوی وجود دارد. یعنی طرفین باید تعهدات خود مبنی بر تأدیه ثمن و تسلیم مبیع را انجام دهند تا تعهدات ساقط شوند. این حق حبس باعث می‌شود تا افراد اموالی را که در قرارداد انتظار داشته‌اند به دست بیاورند. پس اگر یک طرف بخواهد عوض قرارداد را که متوقع بوده، به دست بیاورد می‌تواند از این حبس استفاده کند (Judge, 2015 : 332). از این حق حبس با عنوان حق تصرف و گرو بر داشتن مورد معامله نیز نام برده شده است (رمضانی نوری، ۱۳۷۵: ۲۶۳). این همان حق حبسی است که در ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران از آن نام برده شده است (کیائی، ۱۳۷۶: ۲۱۵) و فقها نیز از آن به عنوان حقی شرعی برای طرفین معامله نام برده‌اند. چنان‌که گفته شده: «اگر فروشنده از تسلیم مبیع خودداری کند مشتری نیز می‌تواند از

1. Equitable line

تحویل و پرداخت ثمن خودداری کند و در این صورت مرتکب خطا و گناهی نشده است»^۱ (انصاری، ۱۳۸۲/۳: ۱۲۰). نویسندگان از این حق حبس به عنوان حق حبس در عقود معوض یاد می‌کنند (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۲۲). در حقوق لبنان نیز نویسندگان اشاره کرده‌اند که این حق حبس ناظر به عقود معوض است؛ زیرا برای هر یک از متعاقدین در این عقود حق امتناع از انجام تعهد قبل از اجرای تعهد طرف مقابل وجود دارد (محمصائی، ۱۳۴۷/۲: ۲۵۶). در واقع غرض اصلی از معاوضه، تسلیم مبیع و ثمن از طرف هر کدام از طرفین معامله است، ولی در همین حال برای هر کدام از متعاملین به صورت برابر و متساوی حق حبس ایجاد می‌شود، تا زمانی که طرف مقابل مورد معامله را تسلیم نماید. ماده ۴۵۹ قانون مدنی مصر نیز به این نوع حق حبس اشاره دارد: «هنگامی که تمام یا قسمتی از ثمن باید به صورت حال و بدون مدت پرداخت شود، فروشنده می‌تواند مبیع را حبس کند تا زمانی که آنچه را که مستحق است یعنی ثمن را دریافت نماید»^۲. ماده ۵۸ کنوانسیون بیع بین المللی^۳ نیز در مقام بیان حق حبس متعادل است. بر اساس این ماده: «اگر در قرارداد زمان خاصی برای پرداخت ثمن مشخص نگردیده باشد، خریدار می‌تواند تا زمانی که فروشنده، کالا و یا اسناد مربوط به آن را در اختیار وی قرار نداده، از پرداخت ثمن خودداری نماید» (سکوتی نسیمی، ۱۳۷۷: ۴).

ماده ۴۷ قانون فروش کالای هند مصوب ۱۹۳۰^۴ حق حبس متعادل را پیش‌بینی کرده است. به موجب این ماده «فروشنده در صورت پرداخت نشدن قیمت کالا از جانب خریدار می‌تواند از تحویل کالا خودداری نماید» (Kulshreshth, 2007: 151). در حقوق کانادا از این حق حبس با عنوان «حق حبس خاص» نام برده شده است (Chapaman, 1989: 181) که به معنی حق حبسی است که به موجب آن اموالی که

۱. لوا متنع البائع من التسليم فإن كان لحق كما لو متنع المشتري عن تسليم الثمن فلا اثم (جواز مقابله به مثل: این قاعده را که از آیات قرآن همچون آیه ۱۹۰ سوره بقره (فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم) و آیه ۵۹ سوره حج (جزاء سيئة سيئة مثله) اصطیاد می‌شود، می‌توان جزو مبانی حق حبس متعادل دانست (بنگرید به: شهبازی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۳۱).

۲. اذا كان الثمن كله او بعض مستحق الدفع في الحال ، فللبائع يحبس المبيع حتى يستوفى ما هو مستحق له

3. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods 1980.

4. Indian sale of goods Act 1930

به موجب قرارداد مورد نقل و انتقال قرار می گیرند، توسط طرفین حبس می شوند تا تعهدات نسبت به آن‌ها انجام شود. تفکر سنتی در خصوص حق حبس در حقوق ایران که آن را منحصر در حق حبس متعادل می داند، تا آنجا پیش رفته که نویسندگان حتی در بررسی تطبیقی حق حبس صرفاً به تطبیق حق حبس متعادل در حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی پرداخته اند (میری و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۲) و (عبادی و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۹). بر این مبنا نویسندگان در حقوق ایران عمدتاً استقلالی برای حق حبس تصرف قائل نشده‌اند (فتوحی راد و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸۴)؛ در حالی که حق حبس تصرف نهادی کاملاً مجزا با شرایط خاص خود است.

۲-۱. حق حبس تصرف^۱

این نوع حق حبس عبارت است از حقی قانونی که به بستانکار اجازه می دهد تا اموال و دارایی‌های بدهکار را نگه دارد و به عبارت دیگر وی در آن‌ها دارای حق تصرف است تا این که طرف مقابل بدهی خود را تصفیه نماید (271 Story, 2007). با بررسی این نوع حق حبس تفاوت آن با حق حبس متعادل روشن می شود. برخی نویسندگان این تعریف را به عنوان تعریف حق حبس در حقوق ایران به صورت مطلق به کار برده و توجهی به تفاوت حق حبس متعادل و حق حبس تصرف نداشته‌اند (عسکری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

۱-۲-۱. مبانی و شرایط حق حبس تصرف

در حق حبس تصرف نوعی حق تصرف و ید تسلط بر دارایی و اسناد و سایر اموال متعلق به دیگری برای طلبکار ایجاد می شود و این نوع حق حبس باقی می ماند تا این که بدهکار دین خود را که کالاها بابت آن حبس شده‌اند بپردازد. البته شخصی که نسبت به دارایی دیگری از حق حبس تصرف بر خوردار است نمی تواند خود اقدام به فروش آن کالاها نماید، بلکه باید به موجب حکم دادگاه اقدام کند. به این حبس، «حق حبس معمولی یا عمومی» نیز گفته می شود (رمضانی نوری، ۱۳۷۵: ۳۲۱). به نظر می رسد که بتوان این نوع حق حبس را به نوعی با وثیقه مرتبط دانست؛ زیرا برای بستانکار در اموال بدهکار برقرار شده است. به طور کلی وثیقه به دو نوع عام و خاص تقسیم بندی می شود (رعدی، ۱۳۷۸: ۲۶). وثیقه عام عبارت است از اموال

1. Possessory lien

و دارایی مدیون که پشتوانه دین وی هستند و اگر بدهی خود را نپرداخت طلبکار می‌تواند طلب خود را از اموال وی استیفاء کند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱: ۲۶۹). مطابق قسمت اخیر ماده ۴۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ «محکوم‌له می‌تواند درخواست کند که از اموال محکوم‌علیه معادل محکوم به توقیف گردد». وثیقه خاص نیز عبارت از وثیقه‌ای است که طی قراردادی بین دائن و مدیون، پشتوانه دین قرار می‌گیرد مانند عقد رهن (ماده ۷۷۱ قانون مدنی)؛^۱ بنابراین به نظر می‌رسد حق حبس تصرف را بتوان تابع وثیقه عام دانست؛ زیرا در وثیقه خاص باید قراردادی تحت عنوان خاصی که در قانون آمده بین طرفین موجود باشد مانند عقد رهن، اما حق حبس تصرف همانند وثیقه عام نسبت به هر مالی که از مدیون در ید طلبکار باشد برقرار می‌شود.

ماده ۱۷۰ قانون قرارداد هند مصوب ۱۸۷۲^۲ حق حبس تصرف را پیش‌بینی کرده است. در حقوق کانادا نیز از این حق حبس نام برده شده که البته در این نظام حقوقی همان اصطلاح حق حبس معمولی یا عمومی را به کار برده‌اند (Chapama, 1989: 181). مثلاً حمل‌کننده کالا به وسیله کشتی، دارای یک حق حبس است که بر اساس آن می‌تواند بابت کرایه کشتی، کالاها را حبس کرده و از تحویل آن‌ها خودداری نماید تا این‌که صاحب کالاها بدهی مربوط به کرایه کشتی را بپردازد. این یک حق حبس معمولی است که البته خود این حق حبس می‌تواند ناشی از قرار داد باشد (Ashfield, 2012: 464)؛ یعنی طرفین ضمن قرارداد حمل کالا شرط کنند اگر کرایه پرداخت نشود، صاحب کشتی حق حبس کالا را داشته باشد که با حق حبس در عقود معوض متفاوت است؛ چون صاحب کشتی معامله‌ای بر اساس کالاهای موجود در کشتی انجام نداده است، بلکه تنها آن‌ها را حمل می‌کند. البته عرف تجاری معمولاً این نوع حق را مقرر می‌کند. در حقوق انگلیس این نوع حق حبس برای تمام نمایندگان اعم از حق‌العمل‌کار، وکیل، عامل و غیره مقرر شده است. به این صورت که نماینده می‌تواند کالاهایی که نزد وی قرار داده شده یا اوراق بهادار و به طور کلی، تمامی اموالی که نزد وی قرار دارد را به منظور دستیابی به طلب خود

۱. رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به دائن می‌دهد. رهن‌دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند.

2. Indian Contract Act 1872

که ناشی از انجام دستورات آمر بوده است، حبس نماید تا زمانی که همه طلب وی تصفیه شود (689 : Tritel, 2019). در حقیقت این نوع حق حبس نیز ضمانت اجرای مفاد قرارداد است منتها از حبس عوضین در مقابل هم ناشی نمی‌شود.

ماده ۳۷۱ قانون تجارت ایران در این زمینه مذکور می‌دارد: «حق‌العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت» و این در واقع ضمانت اجرای تعهدات آمر در مقابل حق‌العمل کار است (حسنی، ۱۳۸۹: ۵۸۳). هر چند برخی از نویسندگان گفته‌اند که هیچ رابطه تقابل بین طلب حق‌العمل کار و کالاهای موضوع معامله وجود ندارد و این همان نکته‌ای است که به آن اشاره شد، ولی به این نکته توجه نکرده‌اند که این نوع حق حبس در هر حال ناشی از قراردادی است که بین حق‌العمل کار و صاحب کالا بسته شده و اگر آن قرار داد وجود نداشت، حق حبس هم وجود نداشت. البته ممکن است که این حق حبس بر اساس رابطه غیرقراردادی شکل گیرد. به عنوان مثال شخصی مالی از دیگری در اختیار دارد و به علت تصادف از او طلبکار می‌شود، در این حالت نمی‌توان با دیدگاه سنتی قائل به وجود حق حبس گردید؛ زیرا اولاً، باید بین دو دین تقابل وجود داشته باشد؛ ثانیاً، بین این دو ادعای متقابل و دوجانبه ارتباط و تلازم وجود داشته باشد. این شرایط در مثال فوق وجود ندارد. در حالی که با توجه به حق حبس تصرف و شرایط حاکم بر آن در اینجا نیز حق حبس قابل توجیه خواهد بود. در مباحث بعدی توضیح داده خواهد شد که شرط لازم و کافی برای اعمال حق حبس تصرف، قابل مطالبه بودن بدهی می‌باشد؛ بنابراین در این نوع حق حبس به دو شرط اصلی اعمال حق حبس متعادل نیاز نیست و به صرف وجود شرط قابل مطالبه بودن بدهی امکان اعمال حق حبس تصرف وجود دارد.

۲-۱. سابقه حق حبس تصرف و مصادیق آن در نظام‌های حقوقی و فقه

حق حبس تصرف در حقوق ایران در «قانون راجع به بدهی واردین به مهمان‌خانه‌ها و پانسیون‌ها» مصوب ۱۳۱۲/۶/۱ پیش‌بینی شده که بر اساس آن صاحبان مهمان‌خانه‌ها حق حبس اموال بدهکار را برای بدهی آن‌ها از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و غیره دارند. در حقوق انگلیس به موجب قانون ۱۸۷۸^۱ صاحب

1. Innkeepers Act 1878

مسافرخانه نسبت به کالاهایی که نزد او سپرده شده، به نسبت پولی که طلب وی می‌باشد به خاطر خدمات ارائه شده به مسافر و کرایه، حق حبس خواهد داشت (M.Walker, 2012: 401). تاثیر قانون مصوب در حقوق ایران از قانون مصوب در حقوق انگلیس در این مبحث مشهود است. به عبارت دیگر در تاریخ ۱۳۱۲/۶/۱ که مطابق با ۱۹۳۳/۸/۲۳ است، قانونی در ایران تصویب شده که منطبق با قانون ۱۸۷۸ در حقوق انگلیس می‌باشد. در فقه نیز در موارد متعدد به حق حبس تصرف پرداخته شده؛ هر چند به صورت خاص و به عنوان حق حبسی جداگانه به آن پرداخته نشده، منتها با دقت در مباحث مطرح شده از ناحیه فقها، می‌توان بین احکام و شرایط دو نوع حق حبس متعادل و حق حبس تصرف قائل به تفکیک گردید.

برخی از فقها عقیده دارند در جایی که معاوضه وجود ندارد، حق حبسی نیز وجود نخواهد داشت، مثلاً اگر اجرت خیاط پرداخت نشود، وی حق حبس لباس دوخته شده را نخواهد داشت چون معاوضه وجود ندارد» (طباطبائی یزدی، ۲/۱۴۱۷: ۵۹۶). پاسخ اشکال این است که در این موارد نیز معاوضه وجود دارد به این صورت که خیاطی و دوخت لباس در برابر ثمن قرار می‌گیرد یعنی عوضین وجود دارد، خیاط اجیر است و حق حبس پیرو سلطه‌ای است که خیاط بر آن لباس دارد که در اینجا وجود دارد. در هر حال حتی اگر عقیده اول را هم بپذیریم که در اینجا معاوضه وجود ندارد باز هم نمی‌توانیم قائل شویم که حق حبس وجود ندارد؛ زیرا حق حبس در حقیقت ضمانت اجرای قرارداد است و فرقی نمی‌کند مستقیماً در یک عقد معوض باشد یا به طور غیر مستقیم از قرارداد حمایت کند. البته نظر دوم با توجه به این که این قرارداد نوعی اجاره اشخاص است، بهتر به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، در این مثال مواجهه با حق حبس تصرف می‌باشیم. اشکال وارد بر نظر این دسته از فقها آن است که تنها قائل به حق حبس متعادل می‌باشند؛ در حالی که با تبیین حق حبس تصرف از این شبهات نیز جلوگیری خواهد شد.

بنابراین حق حبس تصرف مربوط به تسلط و تصرف کالاهایی است که نزد طلبکار وجود دارد و این طلبکار می‌تواند یک نماینده حق العمل کار باشد و یا اینکه طلب ناشی از دستمزد باشد (مانند مثالی که در فقه گفته شده است) و تا هنگامی که

بدهی مربوط تصفیه نشده باشد، این اموال در حبس باقی خواهند ماند.^۱ بر این اساس در عقدی مانند وکالت نیز می‌توان قائل به وجود حق حبس تصرف شد. به عنوان مثال، وکیلی که دستمزد خود را دریافت نکرده می‌تواند مدارک موکل را تا پرداخت حق الوکاله نزد خود نگه دارد.

برخی از فقها معتقدند در این موارد آنچه در ید عامل و نماینده باقی می‌ماند، امانت است و نمی‌تواند آن را حبس کند (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۷/۲: ۵۹۷)؛ در حالی که وقتی قائل باشیم در بیع که عقد تملیکی است و به مجرد ایجاب و قبول مبیع و ثمن منتقل می‌شوند (ماده ۳۳۹ قانون مدنی ایران) حق حبس وجود دارد و حبس هر کدام از عوضین در واقع حبس مال متعلق به دیگری است. در اینجا که مال دیگری در اختیار متصرف قرار دارد، حق حبس تصرف به همان صورتی که در حق حبس متعادل قائل هستیم، وجود خواهد داشت. به عنوان نکته آخر در این مبحث باید گفت که به نظر می‌رسد دلیل وجود چنین حقی در ایران، همان قوانین خاص در این زمینه باشد. به عبارت دیگر، برای اعمال این حق نیازمند وجود قانون باشیم و نظرات فقهای امامیه نیز می‌تواند به عنوان دلیل صحت این حق در نظر گرفته شود، منتها برای اعمال آن نیاز به وجود قانون داریم. در حقوق انگلستان از حق حبسی تحت عنوان حق حبس دریایی (بحری)^۲ نام برده شده که بر اساس این نوع حق حبس، یک کشتی می‌تواند در مقابل طلب طلبکاران حبس شود (A. Garner, 2019: 943). این حق حبس برای ملوانان کشتی به نسبت دستمزد آن‌ها و همچنین سایر اشخاصی که در اثر برخورد و تصادم با کشتی زیان دیده‌اند، در نظر گرفته شده است. در واقع این حق حبس بر خلاف حق حبس متعادل، مستقر و مبنی بر حق تسلط ناشی از قرارداد بین طرفین نیست (Judge, 2015: 332)، اما می‌توان آن را به نوعی با حق حبس تصرف مرتبط دانست؛ زیرا در هر حال از قراردادی ناشی می‌شود که بین ملوانان و صاحب کشتی برای کار در کشتی منعقد شده است، اما در مورد ضرر و زیان ناشی از تصادم این نوع حق حبس به هیچ وجه ارتباطی با قرارداد نمی‌یابد و می‌توان آن را حق حبس در تعهدات خارج از قرارداد دانست. چنین حق حبسی تنها در حقوق کشورهای نظیر

۱. در حقوق انگلیس برای شرکت‌های تجاری این حق را قائل شده‌اند که به ازای بدهی اعضا شرکت بتوانند سهام آن‌ها در شرکت را حبس کنند تا بدهی خود را بپردازند (Geoffrey, 2019: 277).

2. Maritime line

انگلیس و اسکاتلند که حمل و نقل دریائی بخش اعظم روابط تجاری آن‌ها را تشکیل می‌دهد مشاهده می‌شود (M.Walker, 2012 : 412). با توجه به توضیحات ارائه شده می‌توان حق حبس دریایی را تابع حق حبس تصرف قرار داد.

۲. احکام و آثار حق حبس متعادل و حق حبس تصرف

در این قسمت به بیان احکام و آثار حق حبس در قراردادهای پرداخته می‌شود.

۱-۲. عدم اختصاص حق حبس به عقد بیع و تفکیک مصادیق حق حبس

تصرف از حق حبس متعادل

حق حبس موجود در معاملات معوض مختص بیع نیست. این نوع حق حبس را برخی حق حبس کلاسیک هم نامیده‌اند (باقرزاده، ۱۹:۱۳۸۳). البته مورد غالب حق حبس نیز همین مورد است. برخی معتقدند که بهتر است به جای ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران که حق حبس را در مورد بیع به کار برده باید ماده‌ای به طور عام تدوین شده و به جای بیع، مطلق تعهد در آن آورده شود (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰: ۷۷۶). نویسندگان حقوقی به پیروی از فقه، حق حبس را در عقد اجاره جاری می‌دانند. البته حق حبس در عقود که یک مورد معامله وجود دارد مانند هبه یا قرض جاری نیست و مفهوم حق حبس متعادل به خوبی دلیل این امر را روشن می‌سازد؛ زیرا حق حبس در معاملات در جایی وجود دارد که دو عوض در مقابل هم قرار گیرند. پس حق حبس به عنوان قاعده در تمام عقود معوض وجود دارد؛ بنابراین اجیر برای استیفای اجرت خود حق حبس دارد. مثلاً در جایی گفته شده که اجیر حق دارد هنگامی که برای کارهایی نظیر آرد کردن گندم یا دوختن لباس اجیر می‌شود در صورتی که اجرت خود را دریافت نکرد، آرد یا لباس را نزد خود حبس کند تا این که اجرت مربوطه پرداخت گردد همانند عقد بیع که با بیع حق حبس میباید تا دریافت ثمن دارد^۱ (طباطبائی حکیم، ۱۴۰۴/۱۲: ۶۱)؛ این در حالی است که با تحلیلی که ارائه شد این مورد کاملاً منطبق با مفهوم حق حبس تصرف می‌باشد. اجاره عقدی معوض است و به همین دلیل اگر ماجر از تسلیم عین مستأجره خودداری نماید، مستاجر نیز می‌تواند مال الاجاره را حبس نماید، اما در مثال مربوط به حبس کارهایی که اجیر انجام داده مانند

۱. كان للأجير على الطحن والقصاره حبس الدقيق و الثوب لإستيفاء الأجره كما أن للبائع حبس المبيع لأستيفاء الثمن

لباس دوخته شده تا زمان پرداخت اجرت، حق حبس متعادل مصداق ندارد و موضوع تحت شمول حق حبس تصرف قرار می‌گیرد. ماده ۳۸۸ قانون مدنی اردن نیز حق حبس را در کلیه عقود معوض مقرر کرده است.^۱ در حقوق لبنان نیز اشاره شده که حق حبس در کلیه عقود و معاملات معوض جاری است؛ مثلاً ماده ۵۸۲ قانون موجبات و عقود لبنان حق حبس در اجاره را پیش‌بینی کرده است. البته دیوان عالی لبنان طی حکمی در تاریخ ۱۹۶۷/۱/۱۱ حق حبس اثاثیه مستأجر که در محل مورد اجاره قرار دارند را برای موجد به رسمیت شناخته است تا بتواند طلب خود بابت کرایه را استیفاء نماید (ناصری، ۱۹۹۴/۵: ۳۰۳). مواد ۶۰۵ و ۶۰۸ قانون مدنی مصر نیز از همین رویه پیروی کرده‌اند (سنهوری، ۱۹۹۴/۲: ۱۱۵۴). به نظر می‌رسد با توجه به این‌که بررسی حق حبس تصرف به صورت مجزا مورد نظر فقها و نویسندگان حقوقی در ایران نبوده احکام و شرایط و مصادیق این دو ذیل مبحث واحد آورده شده؛ این در حالی است که با مذاقه در احکام و شرایط حق حبس تصرف و حق حبس متعادل به روشنی می‌توان دریافت که حق حبس تصرف می‌بایست به صورت جداگانه بررسی شود. احکام و شرایط و مبانی این حق حبس با حق حبس متعادل متفاوت بوده و آوردن هر دو ذیل یک عنوان موجب ایجاد تعارض بین مباحث می‌شود؛ چنان‌که در مثال مربوط به اجیر گفته شد. به عبارت دیگر، عدم بررسی جداگانه حق حبس تصرف موجب می‌شود که نتوانیم برخی مصادیق حق حبس را تحت شمول حق حبس متعادل توجیه کنیم؛ در حالی که با تبیین مبانی و شرایط و احکام حق حبس تصرف در حقوق ایران از تعارض جلوگیری شده و مشخص می‌شود که این نوع حق حبس کاملاً با حق حبس متعادل متفاوت بوده و می‌بایست تحت عنوان جداگانه‌ای بررسی گردد.

۲-۲. دیدگاه سنتی حال بودن مبیع و ثمن در حق حبس متعادل و تطبیق

مصادیق با حق حبس تصرف

برخی فقها قائل هستند که به هنگام اطلاق بیع، ابتدا باید بایع مبیع را تسلیم نماید؛ مگر این‌که شرط شده باشد که یکی از طرفین باید ابتدا مورد معامله را تسلیم نماید (علامه حلی، ۱/۱۴۱۶: ۴۹۱)، اما دلیلی برای این موضوع ذکر نکرده‌اند، اما

۱. لكل واحد من المتعاقدين في المعاوضات الماليه بوجه عام أن يحتبس المعقود عليه و هو في يده حتى يقبض البذل المستحق

برخی گفته‌اند که: «بایع باید ابتدا مبیع را تسلیم نماید؛ زیرا برای بایع حق حبسی در مورد مبیع جهت استیفاء ثمن وجود ندارد»^۱ (روحانی، ۱۴۱۸: ۶/۵۰۸). اگر قائل شویم که بایع باید ابتدا تسلیم را انجام دهد دیگر بحثی راجع به حق حبس وجود نخواهد داشت، اما باید توجه داشت که در واقع دو نوع عقد از لحاظ نتیجه وجود دارد «عهدی و تملیکی»^۲. در عقود تملیکی مانند بیع تملیکی به موجب بندهای ۳ و ۴ ماده ۳۶۲ قانون مدنی ایران بایع و مشتری بعد از عقد ملزم به تسلیم مبیع و ثمن هستند و هیچ یک ترجیحی بر دیگری ندارد.

پس حق حبس برای هر دو وجود دارد؛ چنان‌که گفته شده برای بایع حق حبس مبیع تا زمان اخذ ثمن و برای مشتری نیز حق حبس ثمن تا زمان اخذ مبیع وجود دارد^۳ (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ۱/۳۳۹) و به عبارت دیگر حق حبس هر یک از متعاملین، در ازای حق حبس دیگری است.^۴ البته این حق حبس در صورتی وجود دارد که شرط نشده باشد که مبیع یا ثمن حال باشد؛ زیرا در این صورت حق مطالبه وجود دارد (ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران)، اما در عقود عهدی مانند تعهد مستخدم به انجام خدمت در قبال دستمزد نمی‌توان حق حبس معاملات تملیکی را جاری دانست؛ زیرا عوض و معوض در این قراردادها به این صورت است که به عنوان مثال ابتدا مستخدم یا اجیر باید خدمت خود را انجام دهد تا بعد از آن مستحق دستمزد شود؛ بنابراین اجاره اشخاص عقدی عهدی محسوب می‌شود نه تملیکی. هر چند برخی از نویسندگان در نوشته‌های اولیه خود قائل به این بوده‌اند که اجاره اشخاص عقد تملیکی است و اجیر به محض وقوع عقد مالک اجرت می‌شود، اما نمی‌تواند قبل از انجام عمل مطالبه اجرت نماید (کاتوزیان، ۱۳۳۹: ۲۳۸)، اما همین نویسندگان نیز در نوشته‌های بعدی خود بیان نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۲۰۹) که اجاره اشخاص عقدی است که تعهدات موجود در آن هم‌زمان نیستند؛ بنابراین باید آن را عهدی شمرد و با این استدلال قبل از تسلیم عمل، حق حبس برای اجیر قائل نشد؛ در حالی که

۱. ان قلنا بوجود البدئه للبائع فليس له حبس المبيع الى استيفاء الثمن.

۲. عقد تملیکی عقدی است که نتیجه مستقیم آن انتقال مالکیت یا حق عینی جزئی‌تر است (مانند بیع و صلح) و عقد عهدی عهدی است که سبب ایجاد، انتقال و یا سقوط تعهد است مانند وکالت و جعاله.

۳. فللبائع حبس المبيع ليأخذ الثمن وللمشتری حبس الثمن ليتسلم المبيع.

۴. ان حق الحبس ليس لمجرد ثبوت حق للحابس على الآخر فيكون الحبس بإزاء الحبس.

با تحلیلی که در مورد حق حبس تصرف گفته شد نیاز به ایجاد تکلف نیست. گفتیم که در حق حبس تصرف نوعی حق تصرف و ید تسلط بر دارایی و اسناد و سایر اموال متعلق به دیگری برای طلبکار ایجاد می‌شود و این نوع حق حبس باقی می‌ماند تا این‌که بدهکار دین خود را که کالاها بابت آن حبس شده‌اند بپردازد. اجیر نیز در مواردی که اجرت وی پرداخت نمی‌شود دارای حق حبس می‌باشد منتها حق حبس تصرف. در موارد بسیاری اجیر به حبس و سایل مربوط به کارفرما اقدام نموده تا بدهی مربوط به اجرت اجیر از طرف کارفرما پرداخت شود. این عمل صرفاً با حق حبس تصرف قابل توجیه می‌باشد.

۳-۲. حق حبس کلی و جزئی و توجیه آن در حق حبس تصرف

در عقود معوض بایع حق دارد که کل مبیع را قبض کند تا هنگامی که تمام ثمن پرداخت نشده است. پس اگر حتی جزئی از ثمن هم باقی مانده باشد، حق حبس کل مبیع برای بایع وجود خواهد داشت؛ زیرا آن تسلیمی که گفته شده بایع باید انجام دهد در صورتی است که کل ثمن را دریافت نماید و در این صورت است که حق حبس بایع ساقط می‌شود؛ بنابراین این حق حبس حقی غیر قابل تجزیه است (ملاک ماده ۴۰۷ قانون مدنی در اختیار تأخیر تأدیه ثمن).

برخی نویسندگان گفته‌اند که عادلانه‌ترین راه این است که در این موارد قائل به تجزیه حق حبس شویم، اما خود آن‌ها نیز اذعان کرده‌اند که در این مورد نیازمند نص قانون هستیم که در حال حاضر وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۴۰۲/۸: ۹۹)، اما فقهاء به صراحت اعلام می‌کنند که حق حبس در مورد امتناع از تسلیم قسمتی از عوض نیز ثابت است^۱ (نجفی، ۱۳۶۸/۳۳: ۱۴۸).

در واقع شرط ضمنی در معاوضه بر حسب بناء عقلاء و عادت این است که تسلیم و تسلیم صورت بگیرد و این جزء «امور ارتکازی»^۲ نزد عرف است؛ بنابراین بایع می‌تواند مبیع را تا اخذ ثمن حبس نماید و مشتری نیز می‌تواند ثمن را تا تسلیم مبیع حبس نماید، اما بعد از این‌که عقد بیع فسخ یا باطل شد، حق حبس نیز از بین می‌رود؛ زیرا هنگامی که کاشف به عمل می‌آید که عقد باطل بوده تعهدات و هر آنچه در ضمن

۱. ان حق الحبس ثابت بالا امتناع من بعض العوض.

۲. ثابت شده

آن بوده نیز باطل می‌شود،^۱ اما استدلال شده که اجماع وجود دارد که مقتضی حق حبس بعد از فسخ عقد هم وجود دارد و بطلان آن را به خاطر فسخ یا بطلان متبوع نمی‌پذیریم؛ زیرا هنگامی که متبوع از بین می‌رود اثر یا تابع یعنی حق حبس از بین نمی‌رود و دلیل آن، این است که عقد بیع سببی برای مطلق وجود حق حبس است نه سببی برای بقای آن؛ بنابراین هنگامی که عقد به وجود می‌آید حق حبس هم به وجود می‌آید و بعد از آن وجود حق حبس تابع عقد نیست؛ یعنی بقای آن نیازمند وجود عقد نمی‌باشد (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ۳۳۹) در هر حال حتی اگر قائل شویم که حق حبس بعد از فسخ عقد باقی می‌ماند، نمی‌توانیم این حق را ناشی از عقد معوض بدانیم چون عقدی وجود ندارد؛ بنابراین می‌توانیم آن را جزء حق حبس تصرف بدانیم که توضیح آن گذشت. به عبارت دیگر حق حبس بعد از فسخ عقد با دیدگاه سنتی در مورد حق حبس متعادل قابل توجیه نمی‌باشد و می‌بایست در مورد آن قائل به وجود حق حبس تصرف باشیم. تنها در این صورت است که می‌توانیم حق حبس بعد از فسخ عقد را توجیه نماییم. حق حبس متعادل تابع معاوضه است یعنی تا هنگامی که معاوضه وجود دارد، این نوع حق حبس نیز وجود دارد ولی بعد از فسخ عقد (یا انحلال عقد به سببی از اسباب قانونی مانند تفاسخ یا انفساخ) وجود حق حبس صرفاً با حق حبس تصرف قابل توجیه است.

۴-۲. سقوط حق حبس تصرف

به دلیل این که حق حبس یک حق قانونی است، طرف معامله نمی‌تواند به استناد این که طرف دیگر از حق حبس استفاده کرده و از پرداخت ثمن یا تسلیم مبیع خودداری می‌کند، قرارداد را فسخ نماید؛ بنابراین تنها زمانی می‌توان حق حبس را ساقط کرد که یا تسلیم و تسلیم به طور کامل صورت بگیرد و یا این که بر اساس توافق طرفین حق حبس را از بین برود (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۴/۱۰۵). ماده ۴۲ قانون فروش کالا^۲ در انگلیس نیز همین مطلب را بیان کرده است (Ashfield, 2012: 451) در حق حبس تصرف نیز همین مطلب صادق است؛ مثلاً وکیلی که اسناد موکل را حبس کرده تا موکل اجرت وی را پردازد بعد از تصفیه مطالبات وی، حقی بر آن اسناد

۱. ماده ۲۳۱ قانون مدنی اردن: «إذا بطل الشيء بطل ما فی ضمنه» (ابوبکر، ۲۰۰۳: ۸۶).

2. Sale of goods Act, 1979.

نخواهد داشت. مطابق ماده ۳۲۵ قانون مدنی یونان^۱ «حق حبس یک وقفه و تعلیق در اجرای قرار داد است تا این که مدیون به تعهد خود عمل نماید و بعد از آن ساقط می شود» (Stathoulos, 2018: 154). در واقع حق حبس به عنوان ضمانت اجرای مفاد قرار داد تا هنگامی ضرورت آن وجود دارد که از تعهدات موجود در قرارداد حمایت نماید؛ بنابراین اگر دین به دیگری انتقال یابد و طرف قرارداد در برابر استناد کننده به حق حبس بری شود (مانند حواله) حق حبس نیز از بین می رود.

۲-۵. شرایط اعمال حق حبس در دیدگاه سنتی و مقایسه آن با حق حبس

تصرف

از مجموع بحث های راجع به حق حبس به نظر می رسد که در دیدگاه سنتی می توان برای حق حبس دو شرط قائل شد: اول این که، بین دو دین تقابل وجود داشته باشد؛ یعنی شخص اول مدیون شخص دوم و شخص دوم مدیون شخص اول باشد و ایفای دین اول متوقف بر ایفای دین دوم و به عکس باشد. شرط تقابل بین دو دین در ماده ۳۲۵ قانون مدنی یونان مورد توجه قرار گرفته است. به این صورت که در حق حبس دو ادعا و مطالبه باید در مقابل هم قرار گیرند. تنها زمانی مدیون می تواند به حق حبس که در حقوق یونان به «عذر» تعبیر شده استناد کند که شرط تقابل وجود داشته باشد (Stathoulos, 2018: 154). به عبارتی عقد باید از دو طرف قابل الزام باشد (قاسم زاده، ۱۴۰۱: ۲۹۰)؛ پس در عقدی مانند هبه، به همین دلیل حق حبس وجود ندارد. البته دینی منظور است که قانونی و مستحق اداء باشد؛ بنابراین برای دین طبیعی (ماده ۲۶۶ قانون مدنی ایران) نمی توان حق حبس قائل شد (حاتمی و رودیجانی، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳).

شرط دوم این است که بین این دو ادعای متقابل و دوجانبه ارتباط و تلازم وجود داشته باشد. مثلاً عقد بیع موجب ملتزم شدن طرفین در مقابل هم می شود، پس علاوه بر این که بین تعهدات دو طرف تقابل وجود دارد، ناشی از عقد بیع نیز هستند؛ بنابراین بین آن ها تلازم نیز وجود دارد. در ماده ۳۲۵ قانون مدنی یونان اشاره شده که حق حبس باید در مورد بدهی قابل پرداخت اعمال شود. شرایطی که گفته شد در مورد حق حبس متعادل (عقود معوض) به کار می رود، اما نویسندگان آن ها

1. hellas civil code 1930.

را به طور عام به کار برده‌اند، در صورتی که با ملاحظه انواع حق حبس و بررسی تفاوت‌های آن‌ها مشخص خواهد شد که در حق حبس تصرف تنها شرط آخر، یعنی قابل پرداخت بودن بدهی را می‌توان قائل شد. به عبارت دیگر در حق حبس تصرف هیچ‌یک از شروط تقابل بین دو دین و ارتباط و تلازم بین دو دین به مفهومی که گفته شد، وجود ندارد؛ زیرا این شرایط در مورد عقود معوض است و دلیل این که نویسندگان حقوقی و فقها از این شرایط فراتر نرفته‌اند این است که برای حق حبس تصرف وجودی مستقل قائل نبوده‌اند. با مذاقه در ماده ۳۲۵ قانون مدنی یونان می‌توان شرط لازم و کافی برای حق حبس تصرف را قابل پرداخت بودن بدهی دانست. این موضوع با توجه به تعریف ارائه شده از حق حبس نیز قابل توجیه است؛ زیرا گفته شد که این نوع حق حبس عبارت است از حقی قانونی که به بستانکار اجازه می‌دهد تا اموال و دارایی‌های بدهکار را نگه دارد و به عبارت دیگر وی در آن‌ها دارای حق تصرف است تا این که طرف مقابل بدهی خود را تصفیه نماید.

۶-۲. تکلیف قرارداد با اعمال حق حبس در حق حبس متعادل و حق حبس

تصرف

در این مبحث سعی شده به تبیین تکلیف قراردادی که حق حبس در آن اعمال می‌شود، پرداخته شود.

در ماده ۳۲۹ قانون مدنی یونان اشاره شده که «اگر این قضیه به دادگاه ارجاع شد و قاضی تشخیص داد ادعای بدهکاری که حق حبس را طلب می‌کند صحیح نیست؛ بنابراین قرارداد را هم‌زمان و با هم واقع می‌کند» (Stathoulos, 2018: 154)، اما اگر طرفین حق حبس را به طریق صحیح اعمال کنند می‌بایست تکلیف قرارداد مشخص شود.

برخی از فقهاء معتقدند که اگر طرفین عقد، از تسلیم خودداری نمایند حاکم آن‌ها را وادار به اجرای عقد می‌کند و اگر یکی از آن‌ها خودداری کرد، وی اجبار می‌شود (علامه حلی، ۱۳۷۶: ۲۶۷). به نظر می‌رسد این دسته از فقهاء بدون نام بردن از حق حبس در صدد بیان این مطلب هستند که در عقود معوض طرفین باید بلافاصله تعهدات خود را انجام دهند؛ مگر این که اجلی معین شده باشد (ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران)؛ در حالی که گفته شده حق حبس علاوه بر مبنای قانونی دارای مبنای شرعی

نیز هست حتی برخی از نویسندگان لبنانی با تأثیر از حقوق انگلیس حق حبس متعادل را به حق حبس انصافی (ادوارد عطیه، ۱۹۹۳: ۶۴۲) تعبیر کرده‌اند و در واقع با توجه به اشاره تمامی نظام‌های حقوقی به حق حبس می‌توان گفت که بنای عقلاء^۱ بر استفاده از حق حبس در قرارداد حکم می‌کند، پس با این مبنا باید به دنبال راه حلی برای مسأله بود نه این‌که از حق حبس عدول نماییم. در واقع حق حبس وسیله اجبار متعهد به منظور اجرای تعهد مقابل آن است و مسأله نیز در مورد حق حبس متعادل و در عقود معوض است؛ زیرا در حق حبس تصرف تنها یک شخص است که باید اجبار به انجام تعهد شود. در این مورد چهار قول وجود دارد که برخی از نویسندگان (کاتوزیان، ۱۴۰۲: ۱۰۷) به آن‌ها پرداخته‌اند، البته بدون ذکر این‌که هر قول منتسب به کدام فقیه است، اما در فقه (علامه حلی، ۱/۱۴۱۶: ۵۶۳)، هر قول منتسب به شخصی است و فقها اقوال مختلف در مسأله را بیان و به تشریح آن پرداخته‌اند.

از قول شافعی نقل شده که «اگر بایع و مشتری، هیچکدام مبیع و ثمن را تسلیم و تسلیم نکنند، حاکم هر دو را اجبار می‌کند که مبیع و ثمن را حاضر کرده و تسلیم نمایند یا این‌که آن‌ها را به شخصی مورد اعتمادی که معتمد هر دو است بسپارند تا وی این کار را انجام دهد» (علامه حلی، ۱/۱۴۱۶: ۵۶۳).

قول دوم بدون این‌که منتسب به شخصی شود، نام برده شده؛ به این ترتیب که «هیچکدام از طرفین اجبار نمی‌شوند بلکه از تنازع منع می‌شوند تا یکی از آن دو، مورد معامله را تسلیم کند و آن‌گاه دیگری اجبار می‌شود؛ چون بر هر یک از طرفین ایفاء و استیفایی وجود دارد و نمی‌توان ایفاء را پیش از استیفاء طلب، تکلیف کرد». قول دوم نیز به نوعی به قول اول بر می‌گردد؛ هر چند نویسندگان به این موضوع توجه نکرده‌اند؛ زیرا اگر تعهدات را در مورد عقود تملیکی بدانیم یا باید هر دو اجبار شوند یا هیچ‌یک اجبار نشوند (علامه حلی، ۱/۱۴۱۶: ۵۶۳).

قول سوم منتسب به مالک و ابوحنفیه است که «مشتری مجبور به تأدیه ثمن می‌شود؛ زیرا حق عینی بر مبیع دارد، ولی بایع چون حق عینی بر ثمن ندارد نباید اجبار شود. البته در جایی که ثمن کلی فی‌الذمه است نه عین معین» (علامه حلی، ۱/۱۴۱۶: ۵۶۴). این قول از این جهت مواجه با اشکال است که اگر خریدار حق عینی بر مبیع

۱. اتفاق انسان‌های متعارف در هر عصر و زمان صرف نظر از مذهب، نژاد سرزمین و جنس بر امری.

پیدا کرد، چرا باید ابتدا اجبار به تأدیه ثمن شود؛ در حالی که باید گفته می‌شد با بیع اجبار به تسلیم مبیع شود چون هنوز حق وی بر ثمن تحقق خارجی نیافته است، ولی نویسندگان حقوق مدنی (کاتوزیان، ۱۴۰۲/۴: ۱۵۱) به این موضوع نیز توجه نکرده‌اند. نظر احمد حنبل و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷/۳: ۱۵۱) مبنی بر این است که «ابتدأً با بیع اجبار به تسلیم می‌شود؛ زیرا مالکیت وی بر ثمن مستقر است و بیمی ندارد که ثمن تلف شود و می‌تواند ثمن را حواله کند، ولی مالکیت خریدار بر مبیع استقرار ندارد و باید تسلیم شود تا استقرار پیدا کند» (علامه حلی، ۱۴۱۶/۱: ۵۶۴). این قول نیز مواجه با این اشکال است که عقد بیع عقدی تملیکی است و استقرار مالکیت در عالم اعتبار است؛ پس مالکیت خریدار نیز بر مبیع مستقر خواهد بود. فقیه مذکور قول اول که هر دو طرف اجبار به تسلیم و تسلیم می‌شوند را پذیرفته است. در حقوق ایران نیز مطالعه آثار نویسندگان حقوقی نشان می‌دهد که همین قول پذیرفته شده و نویسندگان حقوقی قائل به این مطلب هستند (کاتوزیان، ۱۴۰۲/۴: ۱۰۲ و کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۵). نزد فقهاء دلیل این موضوع «شهرت» بیان شده و گفته شده نظر مشهور بین فقهاء این است؛ در حالی که گفته شده ظن حاصل از شهرت حجیت ندارد (مظفر، ۱۴۰۱/۲: ۲۹۵)؛ پس نمی‌توان به آن تکیه کرد. در هر حال به عنوان نتیجه در حقوق ایران می‌توان قائل به این شد که نظر اول ارجح است، اما نه به دلیل شهرت بلکه به این دلیل که در عقود معوض غرض اصلی برخوردار شدن با بیع و مشتری از ثمن و مبیع است و چون هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌توان بر دیگری ارجح دانست و حق حبس نیز حقی قانونی و شرعی است؛ بنابراین بهترین راه اجبار از طریق حاکم برای انجام تعهدات خواهد بود. گفته می‌شود «اجبار از طریق حاکم»؛ چون اگر طرف مقابل یا ثالثی مبیع یا ثمن را به اجبار و عنف از دارنده حق حبس بگیرد، وی می‌تواند اعاده وضع به حالت سابق را بخواهد (مواد ۲۷۳ قانون موجبات و عقود لبنان و ۳۲۹ قانون مدنی اردن که مدت سه ماه از تاریخ علم به خارج شدن مال از ید حابس را برای اعاده قرار داده‌اند) (ابوبکر، ۲۰۰۳: ۱۰۹؛ ناصیف، ۱۹۹۴/۵: ۴۳۶). پذیرش این موضوع در حقوق ایران نیز خالی از اشکال خواهد بود. همان‌طور که گفته شد این موارد همگی در حق حبس متعادل قابل توجیه می‌باشد، ولی در حق حبس تصرف تنها یکی از طرفین قرارداد است که باید اجبار به انجام تعهد شود. در این جا منظور اجرای قهری و اجباری متعهد است که به طور مستقیم صورت می‌گیرد و آن عبارت است از این که

مفاد عقد با حکم صادره از طریق دادگاه به طور مستقیم توسط مأمور اجرا (دادورز) و یا خود متعهدله اجرا گردد؛ مانند این که عین مورد معامله تخلیه و تسلیم خریدار شود یا از محل فروش اموال مدیون بدهی او را بپردازند. ماده ۴۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مذکور می‌دارد: «هر گاه محکوم‌علیه طوعاً حکم دادگاه را اجرا ننماید، دادورز (مأمور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم می‌کند» و ماده ۴۲ همان قانون نمونه بارز اجبار مستقیم تعهد را بیان می‌کند: «هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم ممکن باشد، دادورز (مأمور اجرا) عین آن را گرفته و به محکوم‌له می‌دهد»؛ بنابراین بحث‌هایی که در مورد حق حبس متعادل در این خصوص مطرح می‌شود در حق حبس تصرف موضوعیت نخواهد داشت. در حقوق ایران این موضوع نیز تفکیک نشده و به عبارت دیگر در هنگام بررسی تکلیف قراردادی که حق حبس در مورد آن اعمال می‌شود به حق حبس تصرف پرداخته نشده و دلیل آن دیدگاه سنتی در مورد حق حبس و عدم استقلال حق حبس تصرف در نزد نویسندگان حقوقی است.

۷-۲. حق حبس دریایی (بحری) و توجیه آن به عنوان مصداقی از حق حبس

تصرف

بر اساس حق حبس دریایی یک کشتی می‌تواند در مقابل طلب طلبکاران حبس شود (Blacks law dictionary, 2019: 943). این حق حبس برای ملوانان کشتی به نسبت دستمزد آن‌ها و همچنین سایر اشخاصی که در اثر برخورد و تصادم با کشتی زیان دیده‌اند، در نظر گرفته شده است. در واقع این حق حبس بر خلاف حق حبس متعادل، مستقر و مبنی بر حق تسلط ناشی از قرارداد بین طرفین نیست (Judge. Stephen, 2012: 412; M. Walker 2015: 332)، اما می‌توان آن را به نوعی با حق حبس تصرف مرتبط دانست؛ زیرا در هر حال از قراردادی ناشی می‌شود که بین ملوانان و صاحب کشتی برای کار در کشتی منعقد شده است، اما در مورد ضرر و زیان ناشی از تصادم این نوع حق حبس به هیچ وجه ارتباطی با قرارداد نمی‌یابد و می‌توان آن را حق حبس در تعهدات خارج از قرارداد دانست؛ اصطلاحی که برخی از نویسندگان به کار برده‌اند (باقرزاده، ۱۳۸۳: ۲۳). چنین حق حبسی تنها در حقوق کشورهای نظیر انگلیس و اسکاتلند که حمل و نقل دریایی بخش اعظم روابط تجاری آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مشاهده می‌شود.

برآمد

۱- با در نظر گرفتن نظرات مختلف حقوقی و فقهی، در ارائه تعریف جامعی از حق حبس می‌توان گفت: «حق قانونی برای شخص که در اموال دیگران ثابت می‌شود تا این که بدهی و تعهد مربوط به آن‌ها انجام شود». این تعریف می‌تواند در بردارنده این معنی باشد که شخص می‌تواند مثلاً کالا یا بهای کالا را تا تسلیم مورد معامله از طرف مقابل حبس نماید و یا این که مثلاً حق العمل کار اموال متعلق به آمر را جهت استیفای طلب خود حبس نماید. این تعریف می‌تواند انواع حق حبس را در برگیرد. به همین جهت است که حق حبس را باید در حقوق ایران به دو دسته تقسیم نمود: «حق حبس متعادل» و «حق حبس تصرف». نوع سومی هم وجود دارد که آن را «حق حبس بحری» نامیده‌اند و می‌توان آن را تابعی از حق حبس تصرف دانست؛ زیرا احکام آن منطبق با حق حبس تصرف می‌باشد.

۲- ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران تنها بیان‌گر حق حبس متعادل است و در مورد حق حبس تصرف در حقوق ایران می‌توان به قانون راجع به بدهی واردین به مهمان‌خانه‌ها و پانسیون‌ها مصوب ۱۳۱۲ استناد کرد که معادل آن در حقوق انگلیس تحت عنوان قانون صاحبان مسافرخانه مصوب ۱۸۷۸ تصویب شده است. در حقوق ایران ماده ۳۷۱ قانون تجارت که بیان کرده حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده است، حق حبس خواهد داشت، بیان‌گر حق حبس تصرف می‌باشد.

۳- در حق حبس تصرف به خلاف حق حبس متعادل، به طور غیر مستقیم از یک قرارداد حمایت می‌شود؛ در حالی که حق حبس متعادل تنها در جاهایی وجود دارد که تعادل بین عوضین وجود داشته باشد؛ بنابراین در مورد حق حبس تصرف، این بحث که کدام یک از طرفین باید زودتر تعهد خود را انجام دهند پیش نمی‌آید؛ زیرا طلبکار در رابطه موجود حق حبس تصرف، بر بدهکار رجحان دارد، اما در مورد حق حبس متعادل چنین رجحانی به دلیل هم زمانی و تعادل عوضین، وجود ندارد؛ به همین دلیل باید مطابق استدلال گفته شده، قائل به هم زمانی انجام تعهد شویم. به عبارت دیگر، در حق حبس تصرف هیچ‌یک از شروط تقابل بین دو دین و ارتباط و تلازم بین دو دین به مفهومی که گفته شد وجود ندارد؛ زیرا این شرایط در مورد عقود

معوض است و دلیل این که نویسندگان حقوقی و فقها از این شرایط فراتر نرفته‌اند آن است که برای حق حبس تصرف وجودی مستقل قائل نبوده‌اند.

۴- حق حبس در عقود تملیکی مانند بیع و اجاره اشیاء وجود دارد، اما در عقود عهدی مانند اجاره اشخاص نمی‌توان همانند عقود دسته اول، حق حبس شناخت. در عقود تملیکی حق حبس متعادل وجود دارد؛ چون تعهدات متعادل و هم‌زمان هستند و ترجیحی وجود ندارد که بگوییم مثلاً بایع یا مشتری باید ابتدا تعهد خود را انجام دهد، اما در عقدی مانند اجاره اشخاص تا هنگامی که اجیر خدمت را انجام نداده، مستحق چیزی نیست؛ پس نمی‌تواند قبل از انجام عمل حق حبس متعادل داشته باشد. البته در صورتی که عمل انجام شود و مستأجر اجرت را نپردازد، اجیر می‌تواند از حق حبس تصرف استفاده کند؛ ضمن این که، به نظر می‌رسد حق حبس تصرف را باید مختص موارد مصرح قانونی دانست؛ زیرا نظرات فقهاء در این زمینه را می‌توان به عنوان تأییدی کلی بر این موضوع که حق حبس تصرف را پذیرفته‌اند دانست؛ در حالی که در قوانین موجود تنها در برخی موارد به ذکر این نوع حق حبس پرداخته شده است؛ بنابراین با توجه به سکوت قانون در سایر موارد و ذکر حق حبس تصرف در مواردی خاص، باید حق حبس تصرف را تنها در موارد ذکر شده جاری دانست.

۵- بررسی حق حبس متعادل در حقوق ایران بررسی کامل و جامعی از حق حبس نبوده و مصادیق بسیاری را در بر نمی‌گیرد. راه حل، مجزا نمودن حق حبس تصرف از حق حبس متعادل و بررسی مبانی و احکام و شرایط حق حبس تصرف به صورت مستقل است.

منابع فهرست

الف. فارسی

- * امینی، اعظم و حائری، محمدحسن و ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۶)، «بررسی فقهی حقوقی موجبات و مسقطات حق حبس در عقود معاوضی»، جستارهای فقهی و اصولی، سال سوم، شماره ۹.
- * اندرز، داود (۱۴۰۲)، «حق حبس در معاملات از منظر فقه و حقوق»، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۳.
- * باقرزاده، احد (۱۳۸۳)، «اجرای حق حبس در تعهدات متقارن و غیر متقارن»، تهران: دادرسی، شماره ۴۷.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد نهم، چاپ نخست، تهران: گنج دانش.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰)، مجموعه محشی قانون مدنی، چاپ هشتم، تهران: گنج دانش.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱)، حقوق تعهدات، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.
- * حسنی، حسن (۱۳۸۹)، حقوق تجارت، چاپ هفتم، تهران: میزان.
- * حاتمی، علی اصغر و رودیجانی، محمدمجتبی (۱۳۸۵)، «تعهدات طبیعی»، مجله دانشکده علوم انسانی (سمنان)، سال پنجم، شماره ۱۴.
- * رضسانی نوری، محمود (۱۳۷۵)، فرهنگ حقوقی مدین، چاپ دوم، تهران: مدین.
- * رعدی، کامبیز (۱۳۷۸)، توثیق اسناد تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- * سکوتی نسیمی، رضا (۱۳۷۷)، «حق حبس در کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ و مطالعه تطبیقی آن در حقوق ایران»، تبریز: نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۱، شماره ۱۶۹.
- * سوادکوهی، فتح الله (۱۳۵۴)، رهن قضائی، چاپ نخست، تهران: نقش جهان.
- * شهبازی، محمدحسین و اکبری دهنو، میثم و حاجیان، هانی (۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی عدم النفع در فقه و قوانین آیین دادرسی مدنی ایران»، مجله حقوقی

دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۱.

* شهیدی، مهدی (۱۴۰۲)، عقود معین، جلد نخست، چاپ بیست و نهم، تهران: مجد.

* عبادی، توحید و لطفی، علیرضا و نوشادی، ابراهیم (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی حق حبس در فقه، حقوق ایران و کانادا»، مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، سال نخست، شماره ۹.

* عسکری، جعفر و نجف‌آبادی فراهانی، مرتضی و مصطفایی، مصطفی (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی ایراد عدم اجرا در نظام رومی ژرمنی (فرانسه، آلمان، سوئیس)، کنوانسیون بیع بین‌المللی و قابلیت پذیرش آن در حقوق ایران»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ششم، شماره ۱.

* علی‌احمدی، حسین (۱۳۷۵)، اجرای تعهد قراردادی، چاپ نخست، ورامین: برهمند.

* فتوحی راد، رضا و عابدی، محمد و خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۰)، «حق حبس در اجرای تعهدات متقابل»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۱، شماره ۴.

* قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۴۰۱)، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ شانزدهم، تهران: دادگستر.

* کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، قواعد عمومی قراردادها، جلد هفتم، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

* کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، حقوق مدنی (معاملات معوض و تملیکی)، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

* کاتوزیان، ناصر (۱۳۳۹)، «حق حبس و تسلیم منفعت در اجاره اشخاص»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴.

* کیائی، عبدالله (۱۳۷۶)، التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد معامله، چاپ نخست، تهران: ققنوس.

* محمصائی، صبحی (۱۳۴۷)، قوانین فقه اسلامی، برگردان: جمال‌الدین محلاتی، جلد دوم، بی‌چا، تهران: فاروس.

* مظفر، محمدرضا (۱۴۰۱)، اصول فقه، برگردان: محسن غروی‌ان و علی شیروانی،

جلد دوم، چاپ بیستم، قم: دارالفکر.

* موسوی، سید عباس و اصانلو، اکبر (۱۴۰۱)، «انتفای عقد به سبب عدم امکان اجرای موضوع آن در حقوق ایران و فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶، شماره ۱۲۰.

* میری، حمید و کاویار، حسین و تقی‌پور درزی نقیبی، محمدحسین (۱۴۰۱)، «حق حبس، شرایط و آثار آن در حقوق ایران و انگلستان»، حقوق اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۲.

ب. عربی

* انصاری، مرتضی (۱۳۸۲)، مکاسب، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: آرموس.

* ابوبکر، محمد (۲۰۰۳)، القانون المدنی الاردنی، چاپ نخست، عمان (اردن): دارالعلمیه الدولیه.

* ابن عابدین، محمدامین (۱۴۱۵ق)، حاشیه الرد المحتار، جلد پنجم، بی‌جا، بیروت: دارالفکر.

* ادوارد عطیه، باتریک (۱۹۹۳)، بیع البضائع الانجلیزی، برگردان: ریاض ذهنری، چاپ نخست، بیروت: دارالجلیل.

* روحانی، سید محمدصادق (۱۴۱۸ق)، منهاج الفقاهه، جلد ششم، چاپ چهارم، نجف: علمیه.

* سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸)، الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید، جلد دوم، چاپ دوم، بیروت: منشورات الحلبی الحقوقیه.

* طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۷ق)، العروه الوثقی، جلد دوم، چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

* طباطبائی حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ق)، مستمسک العروه الوثقی، جلد دوازدهم، چاپ چهارم، قم: منشورات مکتبه آیت‌الله المرعشی نجفی.

* طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، خلاف، جلد سوم، بی‌جا، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

* علامه حلی، ابی منصور جمال‌الدین (۱۴۱۶ق)، تذکره الفقهاء، جلد نخست، چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البیت.

- * علامه حلی، ابی منصور جمال‌الدین (۱۳۷۶)، *تبصره المتعلمین*، برگردان: ابوالحسن شعرانی، چاپ نخست، تهران: انتشارات اسلامیة.
- * کاسانی حنفی، علاء‌الدین ابوبکر (۱۴۰۹ق)، *بدائع الصنائع*، جلد دوم، چاپ نخست، بی‌جا، بی‌نا.
- * کرکی، علی ابن الحسین (۱۴۱۰ق)، *جامع المقاصد فی الشرح القواعد*، جلد پنجم، چاپ نخست، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- * ناصیف، الیاس (۱۹۹۴م)، *موسوعه العقود المدنیه والتجاریه*، جلد پنجم، چاپ دوم، بیروت: بی‌نا.
- * نجفی خوانساری و منیه الطالب موسی بن محمد (۱۴۱۸ق)، *تقریرات میرزای نائینی*، جلد نخست، چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- پ. انگلیسی**

- * A.garner, Bryan (2019), **Blaks Law Dictionary**, 11th edition, Dallas: Thomson west.
- * Ashfield, Ewan (2012), **Sale of Goods**, 8th edition, London: Oxford university press.
- * Chapaman, F.A.R (1989), **Fundamentals of Canadian law**, 5th edition, Toronto: Mcgrawill.
- * Collin, P.H (2013), **Law Dictionary**, 6th edition, Dehli: Universal book stall.
- * Geoffrey, Morse (2019), **Company Law** ,13thedition, London: Sweet and Maxwell.
- * Judge, Stephen (2015), **Business Law**, 10th edition, London: Macmillan law masters.
- * Kulshreshtha, V.D (2007), **Business Law**, 7th edition, Dehli: Vikas publishing house.
- * M. Walker, David (2012), **Principles of Scottish Private Law**, 8th edition, London: Oxford university press.

- * Stathoulos, Michel (2018), **Contract Law in Hellas**, 10th edition, Athens: Kluwer law.
- * Storey, I.R (2007), **Conveyancing**, 6th edition, London: Butterworths.
- * Treitel, G.H (2019), **The Law of Contract**, 15th edition, London: Sweet and Maxwell.